

سطوح و انواع دیپلماسی عمومی در اندیشه‌ی سیاسی امام خمینی(ره)

سیدجلال دهقانی فیروزآبادی^۱
علی سروش^۲

چکیده

ضروری است مبتنی بر پارادایم اندیشه اسلامی، سطوح و انواع دیپلماسی عمومی مورد مطالعه قرار گیرد، در این مقاله مبتنی بر اندیشه امام خمینی(ره)، سطوح و انواع جدیدی از دیپلماسی عمومی تبیین می‌گردد. بعد از باز تعریف این دیپلماسی مبتنی بر این پارادایم، سه لایه برای دیپلماسی عمومی تبیین می‌گردد. از سه ساحت انسانی متناسب با سه علم فقه، فلسفه و عرفان، سه سطح دیپلماسی عمومی استخراج می‌گردد و انواع مختلف آن در این سه لایه تعریف می‌شود. برای دیپلماسی عمومی و دیپلماسی فرهنگی تعریف متناسب با این پارادایم ارائه می‌شود و دیپلماسی فطری، دیپلماسی تربیتی، دیپلماسی بیداری و دیپلماسی وحدت به عنوان مفاهیمی جدید، معرفی می‌گردد.

کلید واژه‌ها: دیپلماسی، امام خمینی(ره)، دیپلماسی عمومی، دیپلماسی تربیتی

1- Email: jdehghani@yahoo.com

2- Email: nabsorush1@yahoo.com

۱- استاد دانشگاه علامه طباطبایی

۲- دانشجوی دکتری علوم سیاسی دانشگاه

باقرالعلوم(نویسنده مسئول)

تاریخ پذیرش: ۹۱/۱۰/۲۱

تاریخ دریافت: ۹۱/۷/۲

مقدمه

دیپلماسی به عنوان محور اصلی سیاست خارجی بدون تردید مبتنی بر اندیشه و پارادایم خاصی بناگشته است و دیپلماسی رایج امروز مبتنی بر پارادایم اندیشه لیبرال دمکراسی شکل گرفته است، این مبانی غربی، انواع و مدل‌های مختلف دیپلماسی را متناسب با چهارچوب‌های نظری خود طراحی و تبیین می‌نماید. چنین مدل‌ها و تقسیم‌بندی‌هایی پاسخگوی نیازهای علمی و عملی پارادایم انقلاب اسلامی نخواهد بود، «یعنی اگر ما برای جامعه‌ی انقلابی و اسلامی، به دیپلماسی انقلابی و اسلامی قائل هستیم، باید در درجه‌ی اول جهت‌گیری اسلامی حفظ شود» (آیت الله خامنه‌ای ۱۳۶۸/۰۵/۳۱).

ضرورت بازشناسی دیپلماسی مبتنی بر جهت‌گیری‌های اسلامی، درخصوص «دیپلماسی عمومی» بسیار جدی‌تر است، چراکه اساساً رویکرد انقلاب اسلامی ضمن الهی بودن، مردمی و عمومی است؛ «بی‌تردید رمز بقای انقلاب اسلامی همان رمز پیروزی است؛ و رمز پیروزی را ملت می‌داند و نسل‌های آینده در تاریخ خواهند خواند که دو رکن اصلی آن: انگیزه الهی و مقصد عالی حکومت اسلامی؛ واجتماع ملت در سراسر کشور با وحدت کلمه برای همان انگیزه و مقصد» (امام خمینی، ۱۳۸۵: ۲۱/۴۰۵). از این رو ضروری است، تا مدل‌ها و انواع دیپلماسی عمومی بصورتی اسلامی و بومی طراحی و تبیین گردد. در این مقاله تلاش می‌گردد، مبتنی بر اندیشه امام خمینی (ره)، سطوح و انواع دیپلماسی عمومی مورد بازخوانی و بازتعریف قرار گیرد. چراکه دیپلماسی عمومی امام، کارآمدی خود را در عمل اثبات نموده است، و اساساً «انقلاب ایران به رهبری امام خمینی (ره) با توسل به ایدئولوژی خود توانسته است هشدار و زنگ خطری را برای نظم حاکم بر جهان و قدرت‌های سیستم بین‌المللی به وجود بیاورد» (Cox:27).

۱. دیپلماسی

تعاریف گوناگونی با نگاه به ابعاد، اهداف و آثار مختلف دیپلماسی ارائه شده است، برخی دیپلماسی را به مثابه مدیریت کل سیاست خارجی تبیین می‌کنند (هالستی ۱۳۷۳: ۲۱۲). برخی نیز دیپلماسی را به عنوان ابزار و بخشی از سیاست خارجی تعریف می‌کنند. به صورت خلاصه مجموع این تعاریف را می‌توان این‌گونه دسته‌بندی نمود: «براساس هدف اصلی، دیپلماسی عبارت است از «فن و هنر حل و فصل صلح‌آمیز مسائل و مشکلات بین‌المللی و اختلافات کشورها به طریق مسالمت‌آمیز» بر مبنای کارکرد، دیپلماسی به صورت «فن مدیریت، اداره، و تنظیم سیاست خارجی و روابط بین‌الملل از طریق مذاکره» تعریف می‌شود. با توجه به بازیگران و کارگزاران نیز دیپلماسی به عنوان «هدایت و مدیریت تعاملات و مناسبات میان کشورهای دارای حاکمیت از طریق نمایندگان آنان» تعریف می‌گردد» (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۸: ۱۸۶).

۱-۱ ماهیت دیپلماسی

با توجه به تعاریف ارائه شده می‌توان مفهوم دیپلماسی را این‌گونه جمع‌بندی نمود: «مهم‌ترین کار ویژه و وظیفه دیپلماسی تعقیب، توسعه و تأمین منافع ملی کشور از طریق گردآوری اطلاعات از خود و دیگران است، ولی کسب و گردآوری اطلاعات از بازیگران و برقراری ارتباط با آنان جوهر اصلی آن را تشکیل

می‌دهد. با این وجود، ماهیت، موضوعات و ابزارهای دیپلماسی در گذر زمان دستخوش تغییر و تحول می‌گردد. این دگرگونی و دگردسی معلول تغییر و تحولات درون‌زا در فرآیند دیپلماسی و محیطی است که در آن اعمال و اجرا می‌شود. در نتیجه، کشورها باید به پیروی از این تغییر و تحولات دیپلماتیک، به باز تعریف و بازنگری دیپلماسی و راهبرد و ابزارهای آن بپردازند «دهقانی فیروزآبادی ۱۳۸۸: ۱۷۹». لذا می‌توان بصورت خلاصه جوهر دیپلماسی را «ارتباط» دوسویه برپایه «اطلاعات» با هدف تأمین و توسعه «منافع ملی» تبیین نمود.

۲-۱ دیپلماسی عمومی

«توسعه و پیشرفت ارتباطات و اطلاعات در جامعه اطلاعاتی بین‌المللی و به تبع آن ظهور سیاست فرابین‌المللی ایجاب کننده یک فرهنگ دیپلماسی نوینی است، که بر شفافیت، بازبودن و همکاری با بازیگران جامعه مدنی و فرو ملی در حوزه‌ی همگانی استوار می‌باشد. این نوع دیپلماسی که غالباً دیپلماسی عمومی یا دیپلماسی خط دوم خوانده می‌شود، متضمن و مستلزم ارتباط با گروه‌های مرجع، رهبران احزاب سیاسی، گروه‌های ذی‌نفوذ، نخبگان سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، علمی، رسانه‌ای به عنوان سازندگان افکار عمومی و کلیه شهروندان جهت شکل دهی افکار و هماهنگ‌سازی اذهان آنان با اهداف سیاست خارجی است» (دهقانی فیروزآبادی ۱۳۸۸: ۷-۲۰۶).

فراگیر شدن اندیشه و ادبیات «دیپلماسی عمومی» و «قدرت نرم» در دیپلماسی معاصر، الهام گرفته از انقلاب اسلامی ایران و روش‌های دیپلماتیک امام در فراخوانی ملت‌هاست، «دیپلماسی عمومی از ابتکارات جمهوری اسلامی ایران است و باید توجه بیشتری به آن شود» (آیت‌الله خامنه‌ای، ۸۸/۱۲/۰۹). آنچه از آن به عنوان دیپلماسی عمومی امام خمینی(ره)، تعبیر می‌کنیم، به همان معنای غربی آن نیست. چراکه اساساً دیپلماسی در این اندیشه به دنبال «منافع انسان» است نه «منافع ملی». در دیپلماسی عمومی امام، هدف «منافع انسان» و تعالی انسان است، و از ابتدا عمومی و همه فهم شکل گرفته است، حال اگر برای رسیدن به این هدف عمومی قدرت‌ها یا دولت‌ها مانع گردند، آنگاه تلاش می‌شود با دیپلماسی سیاسی و مبتنی بر قدرت سخت این مانع مرتفع گردد. یعنی در اندیشه امام(ره)، اصالت با دیپلماسی عمومی است برخلاف دیپلماسی رایج که دیپلماسی عمومی نسبت به دیپلماسی سیاسی فرع محسوب می‌شود.

در «دیپلماسی عمومی»، در واقع «عموم» یا «مردم» از آن جهت ارزش می‌یابند که «شهروند» یک دولتی هستند، و هرچه آن دولت مهم‌تر و قدرتمندتر باشد، آن «شهروند» و آن مردم نیز مهم‌تر می‌شوند. اما اگر دولت مقابل قدرتی نداشته باشد می‌توان از شهروندانش چشم‌پوشی نمود و مستقیماً با دولت وارد مذاکره و کسب منافع ملی شد. اما در اندیشه امام(ره)، مردم از آن جهت ارزش می‌یابند که «انسان» هستند، نه از آن جهت که شهروند هستند، لذا فارغ از آنکه دولتی قدرتمند باشد یا نه، مردمش مخاطب این نوع از دیپلماسی عمومی است.

از سویی مبنای فقهی امام خمینی(ره) نیز، زمینه ساز نوعی «دعوت عمومی» است، باتوجه به مبنای فقهی اندیشه حضرت امام خمینی(ره)، جایگاه «مردم» در قالب «امت» جایگاه ویژه و دارای نوعی نقش محوری است(جوادی آملی ۱۳۸۴: ۲۵۰). در این نگاه امام و امت هر دو مکلف به احکامی هستند تا بتوانند به سرمنزل مقصود نائل آیند.

۳-۱ تعریف دیپلماسی عمومی در اندیشه‌ی امام

امام(ره) مستقلاً و مستقیماً تعریفی از دیپلماسی عمومی ارائه نداده‌اند، اما باتوجه به کلیت اندیشه سیاسی ایشان خصوصاً در حوزه‌ی سیاست خارجی و همچنین منطق رفتار دیپلماتیک شان در طول سال‌ها رهبری «دیپلماسی انقلاب اسلامی» و دیپلماسی جمهوری اسلامی می‌توان تعریفی ارائه نمود. برای باز تعریف این مفهوم در پارادایم اندیشه امام باید به این نکته توجه نمود که «دیپلماسی عمومی» در ادبیات آکادمیک و دیپلماسی غربی متفاوت از دیپلماسی عمومی مبتنی بر اندیشه امام خمینی(ره) است. لذا در تعریف دیپلماسی عمومی در این پارادایم در عین اشتراکات شاهد تفاوت‌های جدی باتعاریف متداول خواهیم بود.

همان‌گونه که تبیین گردید، مهم‌ترین مؤلفه‌های جوهر دیپلماسی عبارتند از: «ارتباط»، «اطلاعات» و «منافع ملی»، لذا برای بررسی ماهیت دیپلماسی عمومی و ارائه تعریف آن، ابتدا باید این مؤلفه‌ها را از منظر امام(ره) مورد مطالعه قرار دهیم. لذا شاهد تفاوتی جدی بین تعریف دیپلماسی در پارادایم اندیشه امام(ره) با تعاریف متداول باشیم که از چند حیث قابل بررسی است:

الف. ماهیت: «دیپلماسی» ماهیتی سیاسی و حقوقی داشته، و «ارتباطات» در چهارچوب قوانین نانوشته و ذیل عنوان «حقوق بین‌الملل» شکل گرفته است(افتخاری، ۱۳۸۸: ۲۳۷). در حالی که ماهیت آن در اندیشه امام(ره) متفاوت و خارج از این چهارچوب است، چرا که امام اساساً این حقوق ساختگی را به رسمیت نمی‌شناسد. امام در چهارچوبی متفاوت یعنی: «فطرت الهی» دیپلماسی خود را مطرح می‌نماید. هر ارتباطی به چهارچوب مشترکی برای تفاهم نیاز دارد، چنانچه اندیشه لیبرال آن را با چارچوب فرضی «حقوق بین‌الملل» و امام آن را با چهارچوب حقیقی «فطرت» محقق ساخته‌اند.

ب. محتوا: محتوای اصلی امروز در دیپلماسی عمومی متداول، «اطلاعات» است، اطلاعاتی واقعی و گاهی غیر واقعی، که به مخاطب ارائه می‌گردد. این اطلاعات توسط قدرت هژمونی و قدرت رسانه‌ای، در بسیاری مواقع با بی‌عدالتی از سوی قدرت‌های برتر ضرایب غیرواقعی نیز پیدا می‌کند، «اطلاعاتی» از «قدرت»، نظامی، اقتصادی و فرهنگی. اما در اندیشه امام(ره) محتوایی «حقیقی» مبتنی بر ایمان، محور اصلی این «اطلاعات» را شکل می‌دهد. در این نگاه قدرت ایمان است که برگ برنده دیپلماسی خواهد بود.

ج. هدف: در فرهنگ سیاسی حاکم بر دنیای سیاست، ملیت از پایه‌ای‌ترین مفاهیم «سیاست مدرن» پس از «معاهده وستفالی» است(قوام، ۱۳۸۱: ۱۸) و به تبع آن، «منافع ملی» به‌عنوان ستاره راهنمای سیاست خارجی مطرح می‌گردد، در حالی که در اندیشه سیاسی امام خمینی(ره) این «امت» است که مفهوم

محوری پیدا می‌کند(معینی‌پور و لکزایی، ۱۳۹۱)، و «منافع امت» و «منافع انسانی» شاخص سیاست خارجی قرار می‌گیرد.

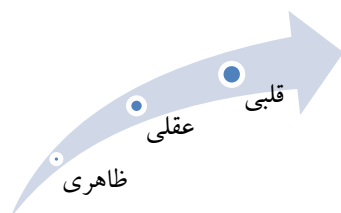
لذا می‌توان تعریفی را مبتنی بر اندیشه سیاسی امام خمینی(ره) برای دیپلماسی عمومی ارائه نمود: تبادل «حقایق» در ارتباطاتی دوسویه مبتنی بر «فطرت» بشری با هدف تعقیب و تأمین «منافع انسانی».

۲. سطح بندی دیپلماسی عمومی

همان گونه که بیان شد، تعاریف متعددی از دیپلماسی ارائه گردیده است، به همین تناسب تعاریف متعددی از دیپلماسی عمومی بیان شده است، لذا توافقی بر سر انواع دیپلماسی در آثار علمی وجود ندارد. انواع گوناگونی چون؛ دیپلماسی فرهنگی، دیپلماسی رسانه‌ای، دیپلماسی خط دوم و...

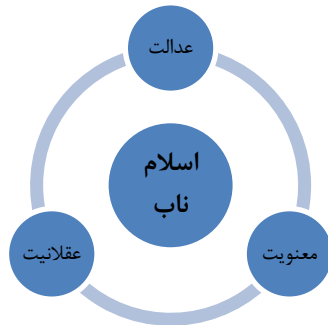
این انواع، دسته‌بندی‌ها و الگو پردازی‌ها در واقع منبعث از اهداف، رویکردها، پارادایم نظری و شرایط بومی ملت‌ها و حکومت‌هاست، لذا نباید به دنبال استانداردهای خاصی برای این انواع بود. چنانچه در پارادایم لیبرال دمکراسی به دلیل جایگاه ویژه «رسانه» شاهد شکل‌گیری ادبیات خاص برای «دیپلماسی رسانه-ای» هستیم، اما ممکن است چنین اولییتی در پارادایم اندیشه اسلامی وجود نداشته باشد و به جای آن بهتر باشد به «دیپلماسی وحدت» پرداخت.

دیپلماسی عمومی مبتنی بر اندیشه امام(ره)، بسیار متفاوت از تعاریف متداول است، این دیپلماسی عمیق، چند لایه و بلندمدت است، از جمله تفاوت‌های اساسی آن همین ویژگی پروسه‌ای بودن، است. در برابر رویکردهای دیگر که کم عمق، بسیط و کوتاه‌مدت است، رویکردهایی پروژه‌ای، که با همان نگاه «پوزیتویستی» حاکم بر آن به شدت دنبال نتیجه ملموس هستند، و باید در کوتاه‌مدت نتیجه حاصل گردد. «هیچ عاقلی انتظار ندارد که تبلیغات و تعلیمات ما بزودی به تشکیل حکومت اسلامی منتهی شود. برای توفیق یافتن در استقرار حکومت اسلامی احتیاج به فعالیت‌های متنوع و مستمری داریم. این هدفی است که احتیاج به زمان دارد. عقلای عالم یک سنگ اینجا می‌گذارند تا بعد از دوستان سال، دیگری پایه‌ای بر آن بنا کند و نتیجه‌ای از آن به دست آید. خلیفه به پیرمردی که نهال گردو می‌کاشت گفت: پیرمرد، گردو می‌کاری که پنجاه سال دیگر و بعد از مردنت ثمر می‌دهد؟ در جوابش گفت: دیگران کاشتند ما خوردیم؛ ما می‌کاریم تا دیگران بخورند. فعالیت‌های ما اگر هم برای نسل آینده نتیجه بدهد، باید دنبال شود. چون خدمت به اسلام است و در راه سعادت انسان‌هاست؛ و امر شخصی نیست که بگوییم چون حالا به نتیجه نمی‌رسد و دیگران بعدها نتیجه آن را می‌گیرند، به ما چه ربطی دارد»(امام خمینی، ۱۳۸۸، ص: ۱۳۴).



«انسان» به عنوان پایه‌ی اصلی دیپلماسی امام(ره)، مطرح است(سروش، ۱۳۹۱: ۶۴)، لذا سطح‌بندی و انواع دیپلماسی عمومی نیز تابعی از این مبنای دیپلماسی خواهد بود. از نگاه امام، انسان دارای سه شأن می‌باشد؛ قلبی،

عقلی و ظاهری (لک زایی، ۱۳۸۹، ۴۹)، از سوی «اسلام ناب» به عنوان مهم‌ترین مبنای اندیشه امام(ره)، نیز دارای سه بعد است، عدالت، عقلانیت و معنویت.



«مکتب امام یک بسته‌ی کامل است، یک مجموعه است، دارای ابعاد است؛ این ابعاد را باید با هم دید، با هم ملاحظه کرد. دو بُعد اصلی در مکتب امام بزرگوار ما، بُعد معنویت و بُعد عقلانیت است... بُعد سوم هم وجود دارد... و آن، بُعد عدالت است. اینها را باید با هم دید. تکیه‌ی بر روی یکی از این ابعاد، بی‌توجه به ابعاد دیگر، جامعه را به‌راه خطا میکشاند، به انحراف می‌برد. این مجموعه، این بسته‌ی کامل، میراث فکری و معنوی امام

است. خود امام بزرگوار هم در رفتارشان، هم مراقب عقلانیت بود، هم مراقب معنویت بود، هم با همه‌ی وجود متوجه به بُعد عدالت بود» (آیت‌الله‌خامنه‌ای، بیانات ۹۰/۰۳/۱۴).



لذا برای دیپلماسی نیز می‌توان سه سطح مبتنی بر همین سه شأن انسانی و سه بعد «اسلام ناب» تعریف نمود. متناظر بر این سه شأن و سه بعد، سه دسته علوم نیز در این اندیشه مطرح است، فقه، فلسفه و عرفان.

فقه «شامل همه شؤون زندگی بشر می‌شود» (مطهری، ۱۳۶۸):

۶۷/۳) و متکفل همه «افعال مکلفین» و عدالت است و فلسفه «علمی است که درباره کلی‌ترین مسائل هستی... بحث می‌کند، همه هستی را به عنوان موضوع واحد مورد مطالعه قرار می‌دهد» (مطهری، ۱۳۶۸: ۱۵۴/۱) و متکفل تبیین عقلانی عالم (انسان و اسلام) است، چنانچه عرفان با رویکردی شهودی به آن می‌پردازد. لذا در سه سطح مبتنی بر اندیشه امام(ره)، دیپلماسی تبیین می‌گردد.

به عبارتی دیپلماسی‌ای سه لایه را شاهدیم، این دیپلماسی در لایه‌ی اول به وجوه ظاهری (فطری) انسان به عنوان مخاطب دیپلماسی می‌پردازد، و در لایه‌ی دوم، به سطحی عمیق‌تر یعنی به درون انسان و سطح عقلانی آن می‌پردازد، و در لایه‌ی سوم، به عمق وجود انسان که همان سطح شهودی و قلبی انسان است می‌پردازد. البته این سه سطح جدا از یکدیگر نیستند، بلکه این سه سطح در عرض هم هستند، اما هر کدام در یک عمق.

۱-۲ سطح اول؛ فطری

این سطح مقدمه و پایه دیپلماسی امام، است، فطرت متضمن یک سلسله ارزش‌های انسانی مشترک است؛ لذا فطرت اینگونه تعریف می‌شود: «یک سلسله مسائلی بوده و هست که امروز این مسائل را به

نام «انسانیت» مطرح می‌کنند. هیچ مکتبی نیست که منکر یک سلسله ارزش‌های انسانی به قول امروز باشد» (مطهری، ۱۳۷۰: ۳۶).

چنانچه حضرت امام(ره)، خطاب به هیات دیپلماتیک هند به این مبنای فطری انقلاب اسلامی اشاره می‌نماید: «مسائلی که ما مطرح کرده‌ایم و ملت ایران قیام برآن کرده است، انسانی است و هر انسانی که هنوز فطرتاً انسان است با آن همراهی خواهد کرد» (امام خمینی، ۱۳۸۵: ۱۲/۳۸۳). این سطح مبتنی بر عمومی‌ترین اشتراک انسانیت یعنی «فطرت»، زمینه‌ساز لایه‌ها و سطوح عمیق‌تر است. از سویی اندیشه فقهی-اصولی به عنوان اصلی‌ترین و گسترده‌ترین چهارچوب اسلام و ترسیم‌کننده قوانین می‌تواند مبین چهارچوب این سطح و دیگر لایه‌های دیپلماسی امام(ره)، باشد.

«عدالت» به عنوان مهم‌ترین رسالت فقه، هدف این سطح از دیپلماسی است. این سطح شمولیتی فراگیرتر از دیگر سطوح دارد، و هر انسان حق طلب و «مستضعف» را اعم از مسلمان و غیر مسلمان در بر می‌گیرد. لذا مبتنی بر همین فراگیری، دیپلماسی امام(ره)، پایه‌ای عمومی و همگانی دارد.

«این نهضت ایران؛ نهضت مخصوص به خودش نبوده و نیست؛ برای اینکه اسلام مال طایفه خاصی نیست. اسلام برای بشر آمده است؛ نه برای مسلمین و نه برای ایران. انبیا مبعوث‌اند بر انسان‌ها، و پیغمبر اسلام مبعوث بود بر انسان‌ها. خطاب به ناس [است]: «یا أيُّهَا النَّاسُ». ما که نهضت کردیم، برای اسلام نهضت کردیم؛ جمهوری جمهوری اسلامی است؛ نهضت برای اسلام نمی‌تواند محصور باشد در یک کشور، و نمی‌تواند محصور باشد در حتی کشورهای اسلامی» (امام خمینی، ۱۳۸۵: ۱۰/۴۴۷).

در این سطح انسان‌ها (مردم) بصورت عمومی، باید به حقوق خود آگاه شوند، باید خود را بشناسند و ظلم و تحقیر خود را لمس کنند، و عدالتخواهانه قیام نمایند؛ «انسانِ ظالمِ وقسیّ القلب هم از ظلم و قساوت فطرتاً منتفراست و اگر ظلم و قساوت خود را هم غفلت کند، از قساوت و ظلم دیگران بالفطره تکذیب می‌کند» (امام خمینی، ۱۳۷۸: ۲۴۰). در این مرحله انسان هنوز در اسارت شیطان و دشمن بیرونی است و جز اسارت چیزی بر او متصور نیست. باتوجه به این مقدمه در ادامه به ویژگی‌های این سطح از دیپلماسی پرداخته می‌شود.

۱-۱-۲- دیپلماسی بیداری

در دیپلماسی فطری گام نخست خارج ساختن «فطرت» از حجاب‌ها و بیداری فطرت است. «تا انسان در حجاب خود است و به خود سرگرم است و خَرَقَ حُجْبَ حَتَّى حُجِبَ نوری را نکرده، فطرتش محجوب است و خروج از این منزل علاوه بر مجاهدات، محتاج به هدایت حق تعالی» (امام خمینی، ۱۳۸۵: ۱۸/۴۴۴).

امام نگاهی ماورای مادی به دیپلماسی دارد و آن را نیز جزئی از سیر عرفانی می‌داند و بر اساس یک قاعده عرفانی، اولین گام در دیپلماسی خود را نیز «بیداری» می‌داند. لذا اولین گام در دیپلماسی فطری امام(ره)، «بیداری» است:

«بیداری اول قدم است، اول قدم یقظه است. در سیر عرفانی هم یقظه اول قدم است. در این سیر، این هم سیر الهی و عرفانی است، بیداری اول قدم است و کشورهای اسلامی، ملت‌های مسلم، ملت‌های مستضعف در سرتاسر جهان، اینها بیدار شده‌اند، و سیاه‌های امریکایی کتک این بیداری را می‌خورند، و ان شاء الله پیروز خواهند شد» (امام خمینی، ۱۳۸۵: ۳۸۸/۱۲).

۲-۱-۲- تعریف «دیپلماسی بیداری»

ماهیت دیپلماسی عمومی در اندیشه امام این گونه تبیین شد: «تبادل «حقایق» در ارتباطاتی دوسویه مبتنی بر «فطرت» بشری با هدف تعقیب و تأمین «مصلح بشری»». بر اساس همین تعریف اگر بخواهیم، تعریفی برای دیپلماسی بیداری ارائه دهیم، نکات ذیل باید توجه گردد:

الف. «حقایق» (اطلاعات): یکی از مؤلفه‌های دیپلماسی اطلاعات است، که تبیین شد در اندیشه امام (ره)، اطلاعات مبتنی بر حقایق است. لذا در دیپلماسی بیداری نیز باید حقایقی مورد تبادل قرار گیرد که خصوصیت، هشدار دهنده و بیدار کننده دارند، حقایق در حوزه‌هایی چون: جنایات تاریخی قدرت‌های بزرگ در حق ملت‌ها، کرامت تحقیر شده ملت‌ها، چهره پنهان استعمار فرانو، مقام خلیفه‌ی الهی انسان.

ب. روابط فطری (ارتباط): مؤلفه دیگر دیپلماسی ارتباط است، به ویژه ارتباطات دوسویه، اگرچه در دیپلماسی بیداری به عنوان اولین گام و به جهت پیام‌های بیدارکننده، این رابطه بیشتر یک سویه خواهد بود، ارتباطی از سوی عامل بیداری. اگرچه اصل بر ارتباط دوسویه است و باید تلاش گردد این ارتباط یک طرفه را دوطرفه نمود، از راه‌های دوطرفه نمودن این ارتباط، برقراری ارتباط با مصلحان کشور مخاطب و همچنین دریافت اطلاعاتی تاریخی و سیاسی از تحقیرشدگی‌های ملت مخاطب است. در اندیشه امام (ره)، این ارتباط مبتنی بر فطرت است. بیداری نیز امری فطری است، یعنی انسان فطرتاً حق جوست، لذا محتوا قالب فطری است. ابتدا باید تلاش نمود با پیراستن سایه سنگین اطلاعات و تبلیغات، به فطرت مخاطب رسید و در گام بعد محتواهای «بیداری» را به او ارائه نمود.

ج. «منافع انسان»: آخرین مؤلفه اصلی دیپلماسی منافع ملی است، که در دیپلماسی امام (ره)، هدف رسیدن به «منافع انسان» است، در دیپلماسی بیداری نیز هدف رسیدن به یکی از مهم‌ترین منافع امت یعنی «بیداری انسان» است، منفعتی که سد راه چپاول‌گران ملت‌ها خواهد شد.

با این مقدمات «دیپلماسی بیداری» را می‌توان اینگونه تعریف نمود: «تبادل «حقایق آگاهی‌بخش» در ارتباطاتی حتی‌الامکان دوسویه مبتنی بر «فطرت حق طلب» بشری با هدف «بیداری انسان».

امام خمینی (ره)، لازمه موفقیت دیپلماسی بیداری را بیداری مستضعفین و وحدت همه مستضعفین در ذیل «حزب مستضعفین» (امام خمینی، ۱۳۸۵: ۲۸۰/۹)، در مقابل زیاده‌خواهی مستکبرین می‌داند، لذا پس از توجه به اصل بیداری باید به اصل وحدت، البته وحدت مستضعفین علیه مستکبرین توجه نمود. لذا «دیپلماسی وحدت» ضامن موفقیت دیپلماسی بیداری خواهد بود.

۳-۱-۲- دیپلماسی وحدت

اقلیت مستکبر با بوجود آوردن «مافیای قدرت» بر اکثریت مستضعف، حاکم شده‌اند. و عملاً جهان را می-توان به دو جبهه «استضعاف» و «استکبار» تقسیم نمود. اما چگونه می‌توان بر این مافیای قدرت جهانی با این گستردگی چیره شد؟ این سؤالی اساسی در حوزه دیپلماسی است.

امام(ره)، این معمای سیاسی را بادستان خالی مستضعفین حل نموده است. در اندیشه امام(ره)، اکثریت مستضعفین در صورت «وحدت مستضعفین» می‌توانند، بر مافیای قدرت مستکبرین پیروز شوند.

مبتنی بر اندیشه امام(ره)، خودبینی‌ها و خودخواهی‌ها مانع «وحدت» است، اما اگر انسان‌ها به فطرت پاک خود بازگردند این وحدت آسان خواهد بود: «خودتان را نجات بدهید و خودمان را نجات بدهیم. اگر از این بند نجات پیدا بکنید، آن بعدش آسان می‌شود، وحدت آسان می‌شود، اما از این بند باید نجات پیدا بکنیم، از این بند خودخواهی، هر چه هست برای خودم، خود محوری، من، نه غیر. این در همه نفوس هست مگر اینکه تهذیب بشود، همه‌ی نفوس در آنها این مسأله هست که برای اینکه فطرت الله هست» (امام خمینی، ۱۳۸۵: ۱۷/ ۵۳۱).

مبتنی بر تعریفی که از دیپلماسی عمومی در اندیشه امام(ره)، ارائه شد، تعریفی برای دیپلماسی وحدت ارائه می‌دهیم. برای رسیدن به این تعریف نکات ذیل باید توجه گردد:

الف. «حقایق» (اطلاعات): یکی از مؤلفه‌های دیپلماسی اطلاعات است، که تبیین شد در اندیشه امام(ره)، اطلاعات مبتنی بر حقایق است. لذا در دیپلماسی وحدت، نیز باید حقایقی مورد تبادل قرار گیرد که خصوصیت، وحدت‌بخش و منسجم کننده دارند، حقایق در حوزه‌هایی چون: دشمن مشترک، تقویت اشتراکات فرهنگی-تاریخی، اشتراکات معنوی، تذکر مضرات تفرقه، محبت‌ورزی، اشتراکات علمی.

ب. روابط فطری(ارتباط): مؤلفه دیگر دیپلماسی ارتباط است، به‌ویژه ارتباطات دوسویه، که در دیپلماسی وحدت، به «دوسویه» بودن ارتباط باید توجه بیشتری گردد، چرا که وحدت مفهومی متضایف است و دوطرف دارد، یعنی حتماً باید دو یا چند فرد، دو یا چند گروه وجود داشته باشد که وحدت بین آنها ایجاد شود، مبتنی بر همین معنای دوطرفه ارتباط نیز باید دوسویه باشد و به اینگونه نباشد که فقط یک سویه دعوت به وحدت شود، و تلاش شود گفتگو ایجاد شود.

در اندیشه امام(ره)، این ارتباط مبتنی بر فطرت است. فطرت مشترک بستر وحدت امت خواهد بود، فطرت می‌تواند محور وحدت همه مذاهب بلکه همه مستضعفین باشد. فطرت پاک انسانی با گرایش‌های متعالی و ثابت خود می‌تواند زبان مشترکی برای رسیدن به وحدت سیاسی باشد، در دیپلماسی وحدت باید از زبان فطرت و مفاهیم فطری بهره برد.

ج. «منافع انسان»: آخرین مؤلفه اصلی دیپلماسی منافع ملی است، که در دیپلماسی امام، هدف رسیدن به «منافع انسان» است، در دیپلماسی وحدت نیز هدف رسیدن به یکی از مهم‌ترین منافع انسان و امت اسلامی است یعنی تشکیل «امت واحده» است، منفعتی که تنها راه تحقق «منافع امت» است.

با این مقدمه «دیپلماسی وحدت» را می‌توان اینگونه تعریف نمود: «تبادل «حقایق وحدت بخش» در ارتباطاتی کاملاً دوسویه مبتنی بر «اشتراکات فطری» بشر با هدف تشکیل «امت واحده»

۲-۲ سطح دوم؛ عقلانی

دومین سطح از دیپلماسی عمومی امام(ره)، لایه‌ای عمیق تر از سطح اول است. این لایه «دیپلماسی فطری» ایجاد شده در سطح اول را تثبیت می‌نماید. در سطح اول، دیپلماسی بیشتر رویکردی «تبلیغی» و عمومی داشته است و تثبیت این «تبلیغات» نیازمند، سطحی تخصصی‌تر است.

سطح دوم دیپلماسی در این پارادایم، از جنس آموزش و یا به تعبیر امام(ره)، «تعلیمات» است، چنانچه امام(ره)، بارها «تبلیغات» و «تعلیمات» را در کنار هم و مکمل هم توصیه نموده‌اند.

«می‌دانید که مسلمین تا کنون چه فرصت‌هایی از دست داده و چه سنگرهایی را تسلیم دشمنان خود کرده‌اند که تذکر آنها جز آنکه موجب حسرت و تأسف شود نتیجه ندارد. عده‌ای از آنها به واسطه جهالت به وضعیت دنیا یا به واسطه سوء تبلیغات دشمنان، و عده‌ای دیگر برای گرمی بازار خود با عقلایی که می‌خواستند اقدام به اصلاح نمایند معارضه و مبارزه کرده و می‌کنند تا نفخ صور. اکنون رشته باریکی که برای ما مانده است یکی رشته تبلیغات است که می‌بینید به چه صورت درآمده و چه اشخاصی متصدی آن به غیر حق هستند و یکی رشته تحصیل علوم دینی است که رشته تبلیغات نیز از آن سرچشمه می‌گیرد. قوام رشته تعلیمات دینی اکنون به حوزه‌های علمیه نجف و قم و اصفهان و مشهد و بعضی بلاد دیگر متقوم است» (امام خمینی، ۱۳۸۵: ۲۵/۱).

ایشان همچنین در دروس «ولایت فقیه» در بخشی تحت عنوان «برنامه مبارزه» (امام خمینی، ۱۳۸۸ ب: ۱۲۶) یکی از مراحل مهم مبارزه و توسعه و بسط اسلام را اهتمام به «تبلیغات» و «تعلیمات» ذکر می‌کنند:

«امروز باید با جدیت این اجتماعات را ترتیب دهیم و از آن برای تبلیغات و تعلیمات استفاده کنیم. به این ترتیب، نهضت اعتقادی و سیاسی اسلام وسعت پیدا می‌کند و اوج می‌گیرد» (امام خمینی، ۱۳۸۸ ب: ۱۲۶).

سطح دوم، که بر پایه سطح اول و در چهارچوب اندیشه فقهی آن قرار دارد، مبتنی بر اندیشه‌ی فلسفی طراحی می‌گردد. امام خمینی، فلسفه را راه و پلی به سوی تعالی و تکامل انسان می‌دانست، در نگاه امام فلسفه ابزاری برای کشف حقیقت است و انسان می‌تواند با چراغ فلسفه راه تعالی را سیر نماید و هر انسانی برای تکامل و تربیت می‌بایست که به این پل و این راه وارد و از آن گذر نماید، لذا است که امام(ره)، در نامه خود به رهبر شوروی از او می‌خواهد که برای اصلاح وضعیت شوروی به آثار صدر المتألهین شیرازی و محی‌الدین بن عربی و تحقیق در مضامین آنها بپردازد چه ایشان خوب می‌دانستند که درد اصلی نظام اتحاد شوروی، اقتصاد نیست بلکه انکار خدا و الحاد است (امام خمینی، ۱۳۸۵: ۲۱/۲۲). لذا گام بعدی در دیپلماسی امام خمینی دعوت و راهنمایی مخاطبان دیپلماسی به پل فلسفه، برهان و تفکر و «دیپلماسی حقیقت» است.

در حقیقت برهان، فلسفه و حکمت که نیروی عقلانی بشر را مورد توجه قرار می‌دهد، زبانی است بین المللی، و حضرت امام(ره) نیز در دیپلماسی عمومی و حتی سیاسی خود از این زبان بین المللی استفاده می نمود. چنانچه قرآن کریم در راهبرد دعوت به آن توصیه می‌نماید: «ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَ جَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ ضَلَّ عَنْ سَبِيلِهِ وَ هُوَ أَعْلَمُ بِالْمُنْتَهِي» (قرآن کریم: نحل ۱۲۵)

در این سطح انسان‌ها و به‌صورت خاص نخبگان به‌عنوان مخاطب خاص دیپلماسی سطح دوم، باید بشکلی عقلانی و عمیق حقایق و پیام دیپلماسی را درک کنند. با توجه به این مقدمه در ادامه به ویژگی‌های این سطح از دیپلماسی پرداخته می‌شود.

۱-۲-۲- دیپلماسی فرهنگی

سطح دوم که لایه‌ای دیگر، از دیپلماسی امام خمینی(ره) را بیان می‌دارد، عمیق‌تر از دیپلماسی فطری، دیپلماسی وحدت و بیداری است. این سطح رسالت تغییر نگرش عقلانی را به عهده دارد. چنانچه می‌توان گفت: «آنچه پیوند دیپلماسی عمومی و رسانه‌های ارتباطاتی و اطلاعاتی ایران اسلامی را با سایر کشورها متمایز می‌سازد معطوف به مبانی فرهنگی دیپلماسی فرهنگی ایرانی است که برگرفته از آموزه‌های اسلام امام(ره) و انقلاب اسلامی می‌باشد بر اساس آموزه‌های اسلام هدف و غایت دیپلماسی فرهنگی دعوت ملت‌ها و دولت‌ها به تعالیم نجات بخش الهی است که در بردارنده ارزش‌ها اخلاق و سعادت بشریت می‌باشد» (ستوده، ۱۳۸۸: ۴۴۴).

این لایه رویکردی فکری-فرهنگی دارد و بر پایه دیپلماسی سطح اول که مبتنی بر «تبلیغات»، دیپلماسی‌ای عمومی- فطری را به اجرا درآورده است، سعی می‌نماید چهارچوبی نظری-عقلانی برای «تبلیغات» ارائه نماید تا آن را تبدیل به «فرهنگ» نماید. به عبارتی تبلیغات را با «تعلیمات» همراه می‌سازد.

البته نباید تصور گردد که این دو سطح از دیپلماسی از لحاظ زمانی نیز تقدم و تأخر دارند، بلکه این هر دو لایه همزمان می‌تواند اجرا گردد، اگرچه سطح اول «تقدم رتبی» دارد، و نقش پایه را برای سطح دوم ایفا می‌نماید.

۱-۲-۱-۱- تعریف «دیپلماسی فرهنگی»

«دیپلماسی فرهنگی عبارت است از تلاش و کوشش از پیش طراحی شده و سازمان‌یافته برای تأثیرگذاری بر برداشت‌ها، ادراکات، افکار، انگاره‌ها، ایده‌آل‌ها، ارزش‌ها، ایستارها و باورهای سایر ملت‌ها از طریق تبیین و ترویج فرهنگ و تمدن خود و شناخت و درک واقعی از فرهنگ‌های دیگر به منظور تأمین و توسعه منافع ملی... بنابراین دیپلماسی فرهنگی فرآیندی هدفمند بوده و برای تحقق و دستیابی به اهدافی تعریف شده تدوین و اجرا می‌شود. در نتیجه دیپلماسی فرهنگی از روابط و تبلیغات فرهنگی متمایز می‌شود. چون برخلاف تبلیغات، هدف دیپلماسی فرهنگی تعامل و در آمیختن با مخاطبین است نه القاء پیام‌های

غیرواقعی و تحریف شده. هم چنین در دیپلماسی فرهنگی بر روابط متقابل پایدار و درازمدت تأکید می‌شود تا مبارزه و کشمکش سیاسی کوتاه‌مدت و زود گذر برای کسب منافع آنی و فوری» (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۹).

۲-۲-۱-۲- استقلال فکری

مهم‌ترین هدف این سطح، استقلال فکری، انسان‌ها، ملت‌ها و امت است. چراکه بعد از بیداری عمومی، نیاز به تعمیق آن است و زمانی این تعمیق رخ می‌دهد، که مبانی فکری و اندیشه‌ای مناسبی برای آن ارائه گردد، اما این فرایند با تهدید بزرگی مواجه است، خطر وابستگی به فرهنگ غالب استعماری غرب است. لذا اولین گام در این سطح بسترسازی برای استقلال فکری ملت‌هاست.

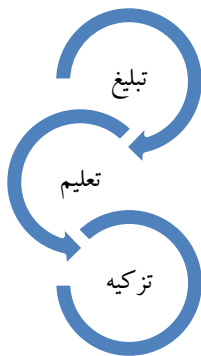
«همان‌طور که کراراً تذکر داده‌ام بزرگترین وابستگی ملت‌های مستضعف به ابرقدرت‌ها و مستکبرین؛ وابستگی فکری و درونی است، که سایر وابستگی‌ها از آن سرچشمه می‌گیرد و تا استقلال فکری برای ملتی حاصل نشود، استقلال در ابعاد دیگر حاصل نخواهد شد... شما... باید کوشش کنید، و مغزها را از این وابستگی فکری شستشو دهید و با این خدمت بزرگ و ارزنده، ملت و کشور خود را نجات دهید» (امام خمینی، ۱۰: ۱۳۸۵/۸۰).

۲-۳ سطح سوم؛ معنوی

سومین سطح از دیپلماسی امام ره، لایه‌ای عمیق‌تر از سطح دوم و مباحث عقلی-فلسفی است. این لایه «دیپلماسی فرهنگی» ایجاد شده در سطح دوم را در «قلب» مخاطب نهادینه می‌نماید. در سطح دوم یا عقلانی، دیپلماسی بیشتر رویکردی فرهنگی-آموزشی دارد و نهادینه شدن آن و در واقع «هویت‌سازی» نیازمند ورود پیام دیپلماسی، به قلب مخاطب است، و نیازمند دیپلماسی‌ای تخصصی‌تر است.

سطح سوم دیپلماسی در این پارادایم، از جنس «تربیت» است، و یا به تعبیر امام(ره)، «تزکیه». تزکیه که از جنس «مجاهدت» و «معنویت» است و با تبلیغات و آموزش حاصل نمی‌شود (امام خمینی، ۱۳۸۵: ۱۹/۲۲۶).

ورود امام به صحنه سیاست را بیش از هر چیز باید در مراحل سلوک معنوی و سفر آدمی از خلق به سوی حق و رجعت وی از حق به سوی خلق که ملاصدرا در آغاز اسفار اربعه به آن پرداخته است، جست و جو کرد (نصر، ۱۳۸۴: ۷۰۷). رویکرد معنوی امام خمینی(ره) بر دیپلماسی امام نیز قطعاً مؤثر بوده است، و شواهد فراوانی بر این ادعا وجود دارد، که در یک نگاه بالاتر امام(ره) در دیپلماسی خود نیز در تلاش است، تا دوست و دشمن را که در ادبیات عرفانی «خلق» نامیده می‌شوند را به عالم ملکوت فراخواند، چنانچه امام(ره) در جواب به وزیر امور خارجه شوروی «ادوارد شوارز نادزه» در خصوص هدف خود از ارسال پیام به گورباچف می‌گویند: «من می‌خواستم دریچه‌ای به دنیای بزرگ، یعنی دنیای بعد از مرگ که دنیای



جاوید است را برای آقای گورباچف باز نمایم و محور اصلی پیام من آن بود. امیدوارم بار دیگر ایشان در این زمینه تلاش نمایند» (امام خمینی، ۱۳۸۵: ۳۰۲/۲۱).

در واقع امام(ره) پس از آنکه ابتدا در لایه سطح اول یک «تبلیغات» یا «دیپلماسی عمومی» و فراگیر برای «بیداری» ملت‌ها و قیام «مستضعفین عالم» در برابر «مستکبرین» و تلاش برای نجات خود از «استعمار» و «استبداد»، طراحی نموده‌اند، در لایه‌ی دوم اهل تدبیر و همچنین حاکمان را به تفکر و درک حقایق فراتر از ارزش‌های اجتماعی چون «عدالت» و «آزادی»، را دعوت می‌نمایند که «دیپلماسی حقیقت» نامیدیم، در لایه‌ی سوم دیپلماسی، امام «دعوت به ملکوت» را صورت می‌دهد. این لایه سوم از دیپلماسی در اندیشه امام(ره) را «دیپلماسی متعالی» می‌نامیم، در این سطح انسان باید بر مهمترین «دشمن»؛ دشمن درون خود یعنی «نفس» پیروز شود تا بتواند به نهایت سعادت بشری که «فناء فی الله» است، برسد.

البته نباید تصور گردد، که این لایه عمیق از دیپلماسی امام، یک اتفاق درونی در افراد و در عالم ملکوت است، که به «عالم سیاست» ارتباطی ندارد، بلکه به عکس تأثیر این لایه از دیپلماسی در عالم سیاست و دیپلماسی نرم و بلکه فراتر در سخت‌ترین جلوه دیپلماسی یعنی «جنگ» نیز خود را نمایان می‌کند. زیرا فردی که مخاطب لایه سوم دیپلماسی واقع شده است، و در او تأثیر یافته است، در استراتژیک‌ترین سطح با فرستنده پیام ارتباط برقرار نموده است، و در عمیق‌ترین لایه هم فکر و هم افق و به عبارت درست‌تر، هم دل شده است و همزمان بهترین و استراتژیک‌ترین «قدرت» که «قدرت الهی» و «قدرت ایمان» است را کسب نموده است، چنین فرد یا افرادی، در واقع خود تبدیل به بهترین «دیپلمات» برای پیام و سیاست حضرت امام(ره) که هم‌ام پیام اسلام ناب است می‌شوند و آن موقع است که «صدور انقلاب» به معنای واقعی رخ می‌دهد.

۱-۳-۲- دیپلماسی تربیتی

مهم‌ترین روش برای تحقق این سطح از دیپلماسی استفاده از دیپلماسی تربیتی است، چراکه این سطح رسالت درونی و نهادینه کردن را به عهده دارد. این لایه رویکردی معنوی-تربیتی دارد، و برپایه دیپلماسی سطح دوم که مبتنی بر «تعلیمات»، دیپلماسی‌ای فرهنگی را به اجرا درآورده است، سعی می‌نماید، «تعلیمات» را تبدیل به «هویت» نماید.

امام(ره)، نگاهی جدی به دیپلماسی تربیتی دارد، ایشان در کتب عرفانی- فلسفی خود آن را تبیین می‌کنند:

«بعضی از اشخاص که برای تربیت بشری از راه صحیح شهودی و عیانی، مخزون در خزائن الله شده‌اند، مشمول عنایت گردیده و خود به توحید ذاتی رسیده‌اند با این تفاوت که بعضی از اسم جامع «الله» و بعضی از اسم «خَلَّت» و «مهمینیت» و بعضی از اسم «غضب» رسیده‌اند. و از فضل بی‌منت‌هایی که خدا بر بشر دارد این اشخاص را بعد از محو و خلص بودن و بعد از انحاء افعال و اسماء و صفات، برای تربیت

عودت می‌دهد و هر یک از آن صفتی که از طریق آن رسیده‌اند عودت می‌یابند» (امام خمینی، ۱۳۸۸ الف: ۲۴۷/۲).

«بعد از آنکه برای بعضی از دُرر مخزون فی خزائن اللّٰه، توحید ذاتی رخ داد، در عین حال انحاء و محو در وحدت به سوی کثرت و سهو عودت داده می‌شوند و از عالم غیب به سوی طبیعت هجرت داده می‌شوند تا نظری به تربیت عائله بشری گردد؛ چنانکه قرآن کریم هم هجرت داده شده و تنزل نموده تا به حد وحی تنزلی رسیده که می‌گوید: «هُوَ الْأَوَّلُ وَالْآخِرُ وَالظَّاهِرُ وَالْبَاطِنُ» یعنی خودش باطن بود و ظاهر شد» (امام خمینی، ۱۳۸۸ الف: ۲۴۹/۲).

۱-۳-۲- تعریف «دیپلماسی تربیتی»

دیپلماسی تربیتی مفهوم نو و بدون سابقه در ادبیات سیاسی است، لذا تعریف کلاسیکی تا به حال از آن ارائه نگردیده است، چراکه اساساً چنین مفهومی در پارادایم اندیشه غرب قابل درک نیست، اندیشه اومانیستی، دنیاگرا و پزیتیویستی غرب، چنین مفاهیمی را نمی‌تواند، دریابد و چالش امروز غرب در ناتوانی فهم و اداره دیپلماسی انقلاب اسلامی به همین دلیل است.

دیپلماسی تربیتی عبارت است از تلاش و کوشش از پیش طراحی شده و سازمان یافته برای تأثیرگذاری بر «تصدیق»ها و «شهود»های سایر ملت‌ها از طریق تلاش خود مخاطب به منظور «تعالی» خود و امت. بنابراین دیپلماسی تربیتی فرآیندی درونی است در نتیجه دیپلماسی تربیتی از دیپلماسی فرهنگی متمایز می‌شود. چون برخلاف تعلیمات، هدف دیپلماسی تربیتی تعامل قلبی و معنوی با مخاطبین است نه القاء اندیشه‌ها و ادراکات. هم چنین در دیپلماسی تربیتی بر روابط درونی و عمیق تأکید می‌شود تا مبارزه و کشمکش سیاسی نظری.

چنانچه امام(ره)، موفقیت برخی مراحل و اثر بخشی برخی مفاهیم را تنها در صورت ورود به قلب میسر می‌دانند:

«اگر چنانچه این معنا در قلب ما واقع شده باشد که نصرت کشور اسلامی، نصرت خداست و نصرت بندگان خدا، نصرت خداست، نصرت مظلومان، نصرت خداست، این معنا اگر در قلب ما محکم بشود، از هیچ چیز نباید بترسیم. و ان شاء اللّٰه نمی‌ترسیم و هیچ کس هم به ما نمی‌تواند که غلبه کند و در همه جا هم پیروز هستیم» (امام خمینی، ۱۳۸۵: ۲۱۰/۱۹).

همچنین امام(ره)، تأکید خاصی بر معنویات اسلام و معرفی و ارائه آن به جهان داشته‌اند و اینکه تبلیغات باید براساس معنویات باشد:

«امیدوارم که شما بتوانید اسلام را برای مردم جهان عرضه کنید. ان شاء اللّٰه خداوند به شما اجر دهد. البته تبلیغات باید بر اساس معنویات باشد، معنویات اساس اسلام است. سعی کنید معنویات را زیاد کنید و از تشریفات تا آنجا که مقدور است بکاهید. همه‌اش در فکر درست کردن سالن و ساختمان نباشید بلکه در فکر معنویات اسلام باشید» (امام خمینی، ۱۳۸۵: ۷۳/۱۷).

توصیه‌های عرفانی و معنوی امام، به برخی از هیأت‌های دیپلماتیک و جنبش‌های اسلامی، نمونه‌ای عملی از همین دیپلماسی تربیتی است. چنانچه امام(ره)، در جلسه ای با هیأت اردنی و سودانی می‌فرماید: «این روحیه تا در مسلمین پیدا نشود همین‌اند که هستند. مجلس‌ها اثری ندارد، اجتماعات اثری ندارد، کنفرانس‌های دولت‌های مختلف و اجتماعاتشان اثری ندارد، صحبت است. دل خوش کردن به این چیزها، موجب تحول ما شده است و می‌شود. مسلمین فکری بکنند که این تحول در آنها حاصل بشود: تحول از خوف به شجاعت، و تحول از توجه به دنیا به ایمان به خدا. منشأ همه پیروزی‌ها همین یک کلمه است. ما متحول بشویم به یک موجودی اسلامی - انسانی با ایمانی که خدای تبارک و تعالی از ما خواسته است. و اَللّٰهُمَّ تَشْرِيفٌ مِّىْ اَوْرَيْدُ اَيْنِجَا بَا مَا صَحْبَتُ مِىْ كُنَيْدُ، مَا هَمَّ بَا شَمَا صَحْبَتُ مِىْ كُنَيْمُ، دَرْدَهَا رَا مِىْ كُوَيْبِمُ، دَرْمَانِشْ هَمَّ گَاهِىْ گَفْتَهْ مِىْ شُوْد، لَكِنْ شَمَا كَهْ مِىْ رُوَيْدُ وَ مَا كَهْ اَيْنِجَا هَسْتِيْمُ، هَيْجْ دِيْگَرِ دَر فِكْرِ اَيْنِ نَيْسْتِيْمُ كَهْ يَكْ عَمَلْ اَنْجَامْ بَغِيْرِد.» (امام خمینی، ۱۳۸۵: ۴۱/۹).

امام(ره)، خود عارف و اصلی بود که در عمل اسفار اربعه را تکمیل نمود و در دیپلماسی خود به دنبال آن بود که همه جهان را با خود به توحید برساند:

«امام در سلسله عارفان محقق جای داشت و در عین حال با همه آن فاصله، آنان در سیر به سوی خدا و تقرب به او و بریدن از خلق «سیر من الخلق الی الحق» متوقف گشته بودند، و او برای اصلاح زندگی انسان و حاکمیت قانون خدا به «سیر بالحق فی الحق» رسیده بود. گفته بودند: مرد باطنی(عارف) پس از آرامش و اطمینانی که در مسیر معنوی پیدا می‌کند، نمی‌خواهد به زندگی این جهانی بازگردد، ولی او از «وارثان انبیا» بود که همچون انبیا: بازگشتشان جنبه خلاقیت و ثمربخشی دارد، باز می‌گردند و در جریان زمان وارد می‌شوند تا جریان تاریخ را به دست گرفته و جهان تازه‌ای در کمال‌های مطلوب را خلق کنند» (جوادی آملی، ۱۳۸۴: ۷۳).

نتیجه‌گیری

مبتنی بر اندیشه امام خمینی(ره)، می‌توان در حوزه دیپلماسی عمومی مبتنی بر سه لایه؛ فطری، عقلانی و معنوی، سه سطح در نظر گرفت. این سه سطوح به ترتیب متناظر با فقه، فلسفه و عرفان است، و در نتیجه جنس دیپلماسی در این سه سطح به ترتیب، دیپلماسی فطری، دیپلماسی فرهنگی و دیپلماسی تربیتی خواهد بود.

در ذیل هر سطح انواع مختلف دیپلماسی تعریف می‌گردد؛ دیپلماسی بیداری و دیپلماسی وحدت، در ذیل دیپلماسی فطری و دیپلماسی فرهنگی در ذیل دیپلماسی حقیقت و بالاخره مفهوم جدید دیپلماسی تربیتی در ذیل دیپلماسی متعالی تعریف می‌گردد.

ردیف	سطوح دیپلماسی	شئون انسان	بعد متناظر اسلام ناب	علوم متناظر	جنس دیپلماسی	نوع دیپلماسی
۱	سطح فطری	فطری	عدالت	فقه - اصول	دیپلماسی فطری	دیپلماسی بیداری، دیپلماسی وحدت
۲	سطح عقلانی	عقلی	عقلانیت	فلسفه	دیپلماسی حقیقت	دیپلماسی فرهنگی
۳	سطح معنوی	قلبی	معنویت	عرفان	دیپلماسی متعالی	دیپلماسی تربیتی

تعاریفی جدید متناسب با پارادایم اندیشه اسلامی مبتنی بر اندیشه امام(ره)، برای دیپلماسی فطری و دیپلماسی فرهنگی تعریف شد، و با توجه به رویکرد متعالی این اندیشه، بعد تربیتی در حوزه دیپلماسی نیز برجسته می‌گردد، و مفهومی جدید با عنوان «دیپلماسی تربیتی» با تعریف ذیل ارائه می‌گردد:

دیپلماسی تربیتی عبارت است از تلاش و کوشش از پیش طراحی شده و سازمان یافته برای تأثیرگذاری بر «تصدیق»ها و «شهود»های سایر ملت‌ها از طریق تلاش خود مخاطب به منظور «تعالی» خود و امت. بنابراین دیپلماسی تربیتی فرآیندی درونی است، در نتیجه دیپلماسی تربیتی از دیپلماسی فرهنگی متمایز می‌شود. چون برخلاف تعلیمات، هدف دیپلماسی تربیتی تعامل قلبی و معنوی با مخاطبین است نه القاء اندیشه‌ها و ادراکات.

منابع

- قرآن کریم
- امام خمینی، سیدروح الله(۱۳۸۸الف)، *تقریرات فلسفه*، ج ۲، تهران: نشر عروج.
- _____ (۱۳۷۸)، *شرح حدیث جنود عقل و جهل*، تهران: نشر عروج، چاپ سوم
- _____ (۱۳۸۵)، *صحیفه امام*، تهران: نشر عروج، چاپ چهارم.
- _____ (۱۳۸۸ ب)، *ولای تقییه*، تهران: موسسه تنظیم و نشر، چاپ بیستم.
- جوادی‌آملی، عبدالله(۱۳۸۴)، *بنیان مرصوص امام خمینی در بیان و بنان*، مرکز نشر اسراء، چاپ ۶
- دهقانی فیروزآبادی(۱۳۸۹)، *دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی در منطقه خلیج فارس*، فصلنامه سیاست، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۴۰، شماره ۴.
- _____ (۱۳۸۸)، *دیپلماسی نوین خاورمیانه‌ای ایران: ضرورت‌ها و الزامات*، در حسین پوراحمدی، *دیپلماسی نوین: جستارهایی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران*، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین الملل وزارت خارجه.
- ستوده، محمد(۱۳۸۸)، *دیپلماسی نوین فرهنگی جمهوری اسلامی ایران*، در حسین پوراحمدی، *دیپلماسی نوین: جستارهایی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران*، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین الملل.
- سروش، علی(۱۳۹۱)، *دیپلماسی در اندیشه سیاسی امام خمینی(ره)*، دانشگاه باقرالعلوم.
- قوام، سید عبدالعلی(۱۳۸۱)، *اصول سیاست خارجی و سیاست بین الملل*، تهران: انتشارات سمت.
- لکزایی، نجف(۱۳۸۹)، *فلسفه امنیت از دیدگاه امام خمینی*، فصل نامه مطالعات راهبردی، شماره ۴۹.
- مطهری، مرتضی(۱۳۶۸)، *آشنایی با علوم اسلامی*، تهران: انتشارات صدرا.

- _____ (۱۳۷۰)، فطرت، تهران: انتشارات صدرا.
- معینی پور، مسعود و رضا لک زایی(۱۳۹۱)، ارکان امت واحده و تمدن اسلامی از منظر امام خمینی(ره) و مقام معظم رهبری، فصلنامه‌ی مطالعات انقلاب اسلامی، سال نهم، شماره‌ی ۲۸.
- نرم‌افزار حدیث ولایت، بی‌تا، قم: تهیه در مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی و دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت الله خامنه‌ای.
- نصر(۱۳۸۴)، سیدحسین، روزنامه شرق، شماره‌ی ۷۰۷، هفتم اسفند.
- هالستی، کی. جی(۱۳۷۳)، *میانی تحلیل سیاست بین‌الملل*، ترجمه‌ی بهرام مستقیمی و مسعود طارم سری، تهران: وزارت امور خارجه، موسسه چاپ و انتشارات، چاپ پنجم.
- Robert.w .Cox ,*Production . power. And world order. Social forces in the making of history.columbia university press .new York.P : 279*